**جمله های گفتگوی زبان شغنانی**

**از کتاب گرامر زبان شغنانی**

**توپچی بخت بیکف**

**برگرداننده از سریلیک به دری: سرورشاه ارکان**

اداره نشرات سیمای شغنان

شهر کلگری- کانادا

جون ۲۰۱۸

**جمله های گفتگوی زبان شغنانی**

1. تم-یت رېزه وخت چوږج، وُز-اُم ڤا رېزه-چید یت״شمایان(گوشت) را الکی(ناقی م) ریزه کردید، من ریزه کردن آمدم״.
2. اله، سېت یِلهڤ-گه چهنېت״جوره ها، روید باز کمتر دیگر کنید״.
3. اه موم، وُز سٲم مو-ند ترېد کار״مادرکلانم من میروم، در آنجا کار دارم״.
4. مهرگ دېڤ-ارد مورځک ترمُرغ( ترمُرخ م) مِس ڤهرېن، دے دکۈنک-تے״ مرگش شان رسد، تخم مورچه هم به بالای همان صفه چه(بالکن خانه م) می آورند״.
5. تو مِس خو خالک رهنگ-تے״تو هم مانند تغه ات استی-آه״.
6. وُز یِده نیستاو-اݑ دم خېز فِرصت نه-ڤِریم״من حتی در نزدش فرصت نشستن هم نمی یابم״.
7. یوڤا ڤِناوجندے، دۈند جهت نه-یاڎد״وی تنبل برای همین نمی آید״.
8. کرتُشکه بار تو-رد ڤهم״ اقلا کرتاشکه( کچالو م) را برای تو آورم״.
9. به قهر دے توید خو خسخوارے زاښت خو ار توڎ کمبوکېن-ے جای چود״ وقتیکه قهر کرده میرفت، چیز و جارش را میگرفت و در تگی توتی پنهان میکرد״.
10. چِسیت، تا ڤېگه-ره ڤا یِد یِدند خۈله سۈد״بینید، تا بیگاه باز(ترک)[[1]](#footnote-1) درآنجا بسیار میشود״.
11. اصل ماه از بِش بِراَد،ات، تهم تو باب مود״اصل ماه سینه مکی(خوردن شیر مادر م) بس کرد وثانی بابایت مرد״.
12. اِک- وم مېݑ-ېن ارهے ماشین پِس مو،،مو اڤېن یت״همان روُزسه ماشین از برای من آمدند״.
13. دهڎ اِده ښَب ات، پرۈم-اند وم ریښت یت״ ثانی شب در نزدیک پرام ترمه می أید״.
14. ڎو بُن توڎ-ېن ڤَد، وېڤ-ېن ښِچُښت״دو تا درخت توت بودند آنها را بریدند״.
15. دے-تے یے وهرگ مٲش-اند، ڤُد وے-(ی)ېن از غجید-اند زاښچ خو، کُښچ-ېن״ ما در دهه یک بره داشتیم، آنرا از آغیل خانه گرفته کشتند״.
16. لۈد-اُم: خو راست یِد ځَلدے ات یم غُلَدے״من گفتن: راست این خورد و این کلانتر(است)״.
17. یے غڎه-یِک، یمند سه تار نِوازد״ یک بچه گگ در آنجا سه تار می نوازد״.
18. از گرڎه-یېن پرېزمٲش چوږج״از نان(خوری) ما را پرهیز کردند״.
19. اه غهڅ، ڤېگه-ره وے-رد اوقات پیځ خو، رِبے خو ڤِږځ-اند״ ای دختر، شب به وی خوراک پز و در زیر بالینت مان״.
20. دِس ڤِد، مڎار-ارد زِوئڎ-ٲم مے پله״ این خیل باشد، تا نصف روُز( چاشت م)(کار را) در حدود مان اجرا دهیم״.
21. تو ڤا تارښک-ات چئد خو ڤېږځ لهک״تو باز تیشه و کارد را در زیر بالینت مان.
22. نِمۈ-ت وے(چارِک م) چود، یه-یے(وے ږِن م) وے ڎاد قهپ خو تایج״تو همان(مردک)-را دشنام کردی، وی(زنش)او را گرفته رفته است״.
23. دم-ے غل مو تهت رِماڎج –اِدے، مو-رد جریب وافت״اینرا(حالا) پدرم فرموده است، که بمن جوراب بافد.
24. ای یخ، نَی، مو-ند مو ژاو نه-زئد״نی،خواهرجان، گاوم نمی زاید״.
25. یِد دروغ گهپ، یو-ته دیس نه-کِښت״این گپ دروغ است، وی این خیل(کار) نمی کند״.
26. ازَم-تے یݑچ خو چاست مٲش״ از همان جا آمده(است و) ما را تماشا میکند״.
27. دهڎ مالېن-ېن ار څۈند څه، اِک-دېڤ-ېن زِناڎج״ چقدری که رمه است همه آنها را شستند״.
28. وېڤ ڎید-ٲم زاښت ات یے چای-ېن مٲش-ارد چود״پارو شانرا گرفتیم و آنها بما چای تیار کردند״.
29. سه، دم ناش ار دم باغ بِږېن خو یه״ رو آن(درخت) زردآلو را در همان باغ جنبان و بیا״.
30. ماشین ویز چید-تے-ته دېڤ وئبېن وِسکوند(سِکون م) قتے سِفېنېن״در وقت بار کردن ماشین درزه ها را با سه شاخه می برارند״.
31. ای، مم زِمڅ ڤُرښ جهم( چید م) ات مم راږځ ڎیڤد پے مو لهکېت״جمع کردن درزه ها و خوشه چینی این زمین را بمن گذارید״.
32. اه چېن، مو-ند مو گرڎه نُر چوشِچن״بچه ها، امروُز نانم جوی است״.
33. وُز-اُم از یے خئښک-تے مم ناش رُښت خو، یت-اُم״من از یک شاخچه این(دانه) زردآلو را چیندم و آمدم״.
34. دېڤ بهښ چای غل ار کِڅارک״بخش شان(چای) حالا در آتشدان است״.
35. یو لۈد، بغېر، پامېر-اُم روۈن״او گمان کرد،(که) من به پامیر رفتنی استم.
36. اه-را، تو یک بار خو ږېن لۈ״برادر، زنت را یگان بار نصیحت کن״.
37. وُز خو-رد څۈند راشت-ڤِدیرم څه طِلهب-اُم نه-ڤِریم״من هرچند برایم جاروب (عینا: جاروب سرخ) کابم( می طلبم م)، نمی یابم״.
38. وُز نه درمارخت وِڎِرُم ات نه پارښنېڤ، وُز-اُم خو جای ات خو مکۈن ژیوج״ من نه در درمارخت تاقت کرده می توانم نه در پارشنیف،(من) زادگاه ام را دوست میدارم״.
39. کوڅئپُم، یم چیز״کانی بینم، این چه (است)״.
40. وُز سحرَکئ اس خوږم اندیداو اچه نه ڤهرڎیم״پگاه من از خواب تماما خیسته نمی توانم״.
41. نُر مڎارسٲم روغن خو رِزین-ارد ڎهم״امروُز( نصف روُز) رفته به دخترم روغن میدهم״.
42. اِک-دے وۈن-ته بازُم پِس دئݑ״ پشم ا״را با این(کس) می فرستم״.
43. صُبحدم ات وُز-ته خرغ تیم ات خُندے خۈب ات یدُم״صبح به خاروغ میروم و شام می آیم״.
44. څۈند-ته څه نِݑُم، خایم-اُم اندیداو-ارد، بار شیچ-اݑ اندِځ-اُم״اینقدری که شینم، عاقبت رفتنم درکار، خوب میشود(تیز تر) روم״.
45. یه څېم-ارد پُخته دِڤېست-ات زِبا-ره چهی فهمت״وی بنظرم (دختر)ملایم تبعیت می نماید، ثانی کی میداند״.
46. وُز-اُم -ه ناش-اڤېن څه سُت، مو نهن غل گرڎه خئښتے״وقتیکه من برای زردآلو رفتم، مادرم حالا(هنوُز م) خمیر میکرد״.
47. دهڎ ږِنِکېن مٲش څه کنېن؟״این زنها به ما چه کار دارند؟״.
48. ۈ غهڅېن، چیزِک-ته پے نگار خو ڎېت؟״آی دختر ها، چرا غیبت نگار میکنید؟״.
49. دِس-ته مِس ڤا نه-بافت ادے، تو ساز نه-لۈڤے״این خیل هم نمی شود، که سرود نخوانی؟״.
50. تمه دۈند-دۈند-اِک څِیېت ات، وُز ات سنبل-ته ید-ٲم״شمایان کم-کم درو کنید و من و سنبل هم می آییم״.
51. مو-رد شِچ-ارد کېف چود، کار شِتا״بمن حالا تاثیر کرد، کار تمام شد״.
52. خۈنه-ت کاسه از وېڤ-اند بیدے یے-یار-اند نِست״هیچکس از آنها خانه و جای بهتر ندارد״.
53. مے وخت بچه فُک چیز-اݑ فهمت״بچه این زمان همه چیز را میداند״.
54. اه یخ، تاقه-ݑ یه״ای خواهر، تنها بیا״.
55. مٲش-ٲم یے وخت چید جمعت ڤَد وُز-ته وېڤ بشهندݑ (بشهند-اݑ م) فهم-اُم״ ما یک وقت یک آهله زندگی میکردیم، آنها را نغز میدانم״.
56. وے چارِک-اند خُشروی ږِن ڤَد״همان مردک زن خشروی داشت״.
57. مٲش-ٲم بې همدِگر یے سات برداښت نه-چود״ما بی یکدیگر ساعتی تاقت نمی کردیم״.
58. تهم-ارد-اُم جِۈن څه ڤَد، زۈغ-ات مو-چو״وقتیکه جوان بودم، مرا عداوت میکردی״.
59. ای یخ، ۈن، یو جمعه خان״بلی، خواهرجان وی جمعه جان(است)״.
60. دَڎ-ین آسایښ-اݑ نیسڅ״آنها (آرام م) نشسته اند״.
61. اه یخ تا-ت شِچ-ارد وئښچت״ خواهرجان، قریب تو حاضر می آفتیدی״.
62. مو مهغز دۈند دهرڎ کِښت دے سماس-اُم تُلو ڎېڅ״سرم چنان درد میکند، که گویا( از هوای غبارناک خانه) بیخود(شده) باشم״.
63. وُز از تو(ی) ٲم ڤِراد״من و تو برادرانیم( عینا: ما برادرانیم)״.
64. وُز-ته از قهر تو تا مے خو غونج رهنگے ریش نه-ڎهم، مه ڤیم״من از برای توشده مویم را رنگ نکنم، آدم نباشم (وُز-ته از قهر تو تا مے خو غونج رهنگ نه-کِنُم، آدم مه ڤیم״من از قهر تو، تا مویم را رنگ نکنم، آدم نباشم״ م)״.
65. تو-ت یېد-اند وېښت ڎر سه شِچ״ تو اینجا افتیدی، اکنون دور شو״.
66. وُز چیز، قهد-اًم دے نه-چود، شِچ شیگ مو قیوېت-آ״قدم، که پست است، (حالا م)مرا گوساله میخوانید״.
67. قدیم وخت-ېن(-اند مردم م)بابک-ات چیرمک(چَرمک م)خود״ مردم در زمان پیش بابک و چیرمک [[2]](#footnote-2) میخوردند״.
68. لۈد-اُم خو پُڅ-گه شِچ کتخڎای کے خو دهڎ-ات توید״ گفتم: اکنون پسرت را هم خانه دار( زن بده م) کن و ثانی رو״.
69. مو-ند مو قهد پَست ڤُد״قد من پست بود( عینا: قد پست بود)״.
70. تهم-ارد یا سور-اند-ٲم یکدِگر ویت ات یا پاڅ-اند״درآنوقت یا در روُز طوی، یا در وقت (نوبت چوپانیم)شبانی همدیگر را میدیدیم و خلاص״.
71. ڤېگه-(ی)اُم مږ ڎوید دهک-چود-اُم دېڤ-ارد״ دینه میش(را) دوشیدم به آنها(شیر) دادم״.
72. وُز بغېر پے دے برج خو پِدِرئز-اُم ״ من، شاید، به همین دیوار تکیه کنم״.
73. وُزک-اُم از ښاج دلکف سَت، پِینک-اݑ-اُم نه-چو״ من از ترس تلخه کف شدم، تماما خوابم نبرد״.
74. خهی مٲش شِچ مایے به سرے سنگاڤ لهک خو، تِیے نه؟״ نخواهد ما را تنها مانده میروی-اه؟( نخواهد که ما را مثل ماهی در لب دریا می مانی و میروی-اه م)״.
75. ای نهن، تو مو لېف مه-نِښپه״ آچه، تو کورپه(لیاف م) ام را زیر نکن״.
76. مَرۈب تو-رد ڤهم ات، تو خهر״ بتو قیماق بیارم و تو خور״.
77. یه خو تُلت پَر پِنیزد خو، درو کِښت کار( درو کار کِښت م)״ وی لباسهای کاری اشرا پوشیده بکار سر میکند״.
78. وے پول-اُم رقارقے( رقا رق-اݑ م) زاښت خو تاید-اُم״ پولش را آشکارا گرفتم و رفتم״.
79. پے اداره کِسِپچېن-اند وے کے خو یاس״ ویرا در سبدها (کِسِپچېن״سبدهای کلان کاه کشی م״)بار کن به اداره بر״.
80. یه-ته شِچ یاڅ-ښَڅ کِښت״ اکنون وی پخت و پز میکند״.
81. یېدند مه-نݑېت، یِد راږځ سِگک-گه ځُق تمه نه-‌ید״ در اینجا نشینید، نیزه خوشه به شما نخلد״.
82. مٲش-اند نُر چید-دېد، دۈند-ته بِرېج-مِرېج جهم-ٲم״ ما امروُز بوریا کوبی داریم، فقط چیز و جا را جمع میکنیم״.
83. از کُد سِتخۈن طِلهپتاو״ از سگ استخوان طلبیدن״.
84. یخ، وے-ند-ین ازۈد پَدُم وے تُلتک وے مهک-ارد وېڎد״خواهرجان، از اینجا( سر کرده) تا به بالا(رسیده) او را عذاب(ریشخند، آزار م) دادند״.
85. سه خو نهن-ارد ژیز زِوئڎ از غجید-اند(سه از غجید-اند، خو نهن-ارد ژیز زِوئڎ م)״رو به آچه ات از آغل خانه هیزم بیار״.
86. ای یخ، تمه از کۈم از زبۈن مو مه-رِسېت״خواهرجان، شمایان خفه نشوید״.
87. یه آش فُر-ٲم״ تو بیا آش بریده خوریم״.
88. اه-ڎه، دے بِرېج خو تار-ارد نه-پتئوے یِد تاسک تو وېڎد״ای بچه، پوشاک ها( بستره را م) را به سرت نه افتد، نفست را میگیرد״.
89. وُز-اُم دڎ نه-انداید ات، یه انداید څِراو-ے رِبوید ستن-تے خو، درو آش ویڎ سَت״ ثانی من(از خواب) نه خیستم و وی خیست، چراغ را در ستون آویزان کرد و به آشپزی سر کرد״.
90. دېف دلینج خِراک وُز نه-ڤِریم ات، دے وهڎ نه-خېن״خوراک دلخواسته شانرا من نمی یابم، اینرا آنها نمیخورند״.
91. یے رِزین وے-ند پادۈن ست، یه ماد ات ک-اِد-یے-گه״یک دخترش راه میرفتگی شد ومرد، انه این دیگرش(است).
92. ۈن، یے څه دم-ارد نِست״ بلی، یگان حادثه به وی روی نداده است״.
93. مو-ند مِس مو زِنږ ناخوش، ار بلنیڅ-ېن( شفاخانه م) وم ڤوږج״ کیلینم(سنارم م)نیز کسل (شده است)، او را به کسلخانه آوردند״.
94. لۈد-ے سه، زِوئڎ دے خو کهند ما-ت کهند تو״وی گفت: رو آنرا برآر نصفش از تو و نصف دیگرش از من״.
95. ژاو-ات تر-که یاڎج؟״گاو(ماده م) را بکجا برده یی؟״.
96. غلام رهنگ-تے کار کے، ښه-رهنگ-تے خه״ مانند غلام کار کن و مثل شاه خور״.
97. یِد ښوڤد تُښپ ڤُد-اه؟״نه- همین شیر ترش بود؟״.
98. تو ک-ۈدند نَݑ، خو یخ چِس״تو در همین جا شین، خواهرت را بین״.
99. وے دارے مم-رد ڎه״همان دارو به این ده״.
100. دهڎ کَته-ره-مېݑ پۈند تِین ات، خِراک نه-خېن״ اینها روُز بردوام راه میروند و خوراک نمخورند״.
101. وُز-اُم یۈدرد زِدود ات خِښۈپ-اُم ڎاد-ات، یم-اِک تهم یت״ من اینجا را روفتم و گوپی زدم و ثانی این آمد״.
102. تۈنېڅ-ات بهچ-کهچ دار نِست بشهند ښای״ تا آنیکه صاحب فرزند نیستی، درست علم آموُز״.
103. اه- غهڅ کو قَیسر دم مهک״ای دخترک، او را گرنگ نکن״.
104. اه نهن-مه-رَف پے دم خو یخِک״آچه جان، به خواهر چه ات نرس( غرض نگیر م)״.
105. بِیار-ے مو-رد ایلاک باښچ״دینه(وی) بمن پنیر فرستاده است״.
106. څۈند شېمېن طِلهبُم نه ڤِریم، تو-ند نِست-آ؟״ هرچند قیچی( قیچی برای پشم گوسفند می طلبم م) کابم، نه یافتم، تو نداری؟
107. یه ناگ ڤِد چار-چید نه چېمت ات، تو پئغۈم وم-ارد کے״شاید وی به شوهر برآمدن نخواهد، تو به او پیغام کن״.
108. مو-ند مو پُڅ بِیار پے خرغ سُت״دینه پسرم به خاروغ رفته بود״.
109. وُز-اُم سوخهرڤ لهک-چود ات، دۈند جهت-اُم پدۈد یت״ من سوخچرو را ماندم و برای همین به اینجا آمدم״.
110. ڤود-ے یے غِداره یاږج مو-رد خو، تاید-اُم״یک طبق آرد را بمن داد و رفتم״.
111. یه-(ی)ے دایم- اݑچاښ-ویز نه-تیژد״وی دایم(به پشتش) بار نمی کشید״.
112. وم-اند وم مِغوند بُدلا کارکن چار باید ڤېد״وی باید مثل خودش شوهر کارگر داشته باشد״.
113. ښَڅ ار مو نای کِنېن، وُز وم ابئښتاو نه-ڤرڎیم״به گلویم آب را می چکانند، من آنرا فرو برده نمی توانم״.
114. تو-ت څه-رهنگ تهم برداښت(طاقت م) چود؟״تو چه خیل طاقت کرده توانستی؟״.
115. مردمېن-ین از وے چهق-اند بزور مو خلاص چود״ آدمان مرا از دِستش به عذاب (چنگش بزور م) خلاص کردند״.
116. ڤېگه جېڤ-ٲم همېښه جِگۈنېن خو-رد چود خو، گۈی-ٲم بئښت״ما بیگاه ها بخود جوگان ساخته جوگان بازی میکردیم״.
117. وُز مِس فرصت نه فریم، ارم سداو-ارد״ من هم برای به آن جا رفتن فرصت نمی یابم״.
118. وُز-اِک اماچ مالتاو نه-ڤهرڎیم״من اتله پخته نمی توانم״.
119. وهڎ-ېن از وم خو زنږ لپ خښنود ڤد״ آنها از کیلین شان( سنار م) نهایت خوش بودند״.
120. وم شندین کښال-ات یت״ لب و لهن اش آویزان و آمد״.
121. تمه نݑېت ات وُز-ته خو پیڎ-تے یدم״ شمایان شینید، من درو گشته می آیم״.
122. یو توید ات، یه وے بورج ڎید ات، حقارت کِښت״وی رفت، این باشد او را(از عقب) سنگ میزد و حقارت میکند״.
123. اه غهڅ، دے کُشِچک-اند چای رِبے-یا خو تهت-ارد تیاره-ݑ״دخترم، در همین کوُزه چه به پدرت پیشکی چای مان״.
124. مو پاڎ-اند ڤا مے رَگ اندیڅ خو دهرڎ کِښت״رگ پایم وروم کرده و درد میکند״.
125. یو بې غئڤ چارِک ات، ڎید کهل ات پاڎ مو کِښت״وی مردک بد زبان باز مرا حقارت میکند״.
126. یه خو چار قتے پرواس ار سوخچهرڤ ڤَد״وی پارسال با شوهرش در سوخچهرف بود״.
127. یو چارِک مٲش خېز ڤُد ات مو چار-ے از نئخ-اند تاب چود(قهر)״همان مردک در نزد ما بود، شوهرم در خانه قهر کرد״.
128. دے ژیر-ے خو دهم-تے ییوج-اݑ کِرئښت״همه این سنگها را(وی) تنها به پشتش کشید״.
129. شِتارݑک-ٲم چود قاق خو، ار خِدارج-ٲم وے یود خو خود-ٲم، وے نۈم شِتارݑک- بِښت״(در زمان پیش) چکری را خشک نموده در آسیاب آنرا آرد میکردیم و میخوردیم، نام همان آرد را شِتارݑک- بِښت میگوییم״.
130. تهم-ارد اِک-ۈ-ڤا کِتېنک مو-ند ڤُد ات اِک-وے قتیر-اُم مِس(خوش م) ڤُد״ در آنوقت ها تا میان کتیلچه(کرتی ؟ م) داشتم و خلاص با آن هم، خرسند بودم״.
131. وُزک-ته پرۈم(کیمه م)(حیرۈن-اݑ) چِسُم ات، وېڤ-اُم نه-وینچ״ من با عیرت پرام(کیمه، کشتی م) را تماشا میکردم، آنها را ندیدم״.
132. هر تهم ناو مېݑ-تے عرَق چود، نه-مود، دِس کسل یِده ڤُد״هرکی در بین نو(اِدے م) روُزعرق میکرد، نمی مرد، انه چنین کسل بود״.
133. یے بَدَښخے ښِوینچن-ېن شِچ مو-رد ُوږج، وُز-اُم مغمور״بمن یک کرباس بدخشی را آوردند، من با آن خرسند(بودم)״.
134. وُز-اُم خُبَݑ ڤَرېک-مازیج ڤَد دَڎ-اُم خو-رد همېښه ڤَرېک میزد״ من خودم استای ظرف سازی بودم، ثانی دایما برایم(ظرف) میساختم״.
135. کِشکؤل-ته از ڎارگ کِنېن״ کِشکول[[3]](#footnote-3) را چوب میسازند״.
136. غۈښچک-قتے-(ی)ېن (غۈښڅک-قتے-(ی)ېن م)قدیم وخت او ڎوید دم-ته از جِرهی-اند کِنېن״در زمان قدیم گاو را در کوُزهچه میدوشیدند، آنرا از گِل میساختند״.
137. ای-را، تر خهیَک( قۈلک م) یو انگِخت(انگَخت م)״برادر، وی در همان حوض چه درمانده است״.
138. دوسَک سنگِله ڎیدُخ وېڎېت دهڎ تیڤدېن دوسدے سین״کمکی پارو را دود کنید، پشه ها کمتر شوند״.
139. سحرَکئ خُښپه-(ی)اُم خو فُرٲم״پگاه یی اتاله می پزیم و می خوریم״.
140. ترتېځ اک-ته باڎ-ارد مالېن״ علف ترتیزک را بر خارش چون دارو می مالند״.
141. گلیم-ېن زِناد پینجِن یاږج-اند ات، جُمه چُک-ېن وم ڎاد اِدے وم پښم اندیزد״ چکمن(گلیم)-را در آرد ارزن می شویند و با چوب او را میکوبند، تا پشمش خېزد״.
142. دم-ېن څه ڤُد یِد یے چِخرئو قاقینه ڤَد- وقتیکه همان(دخترک را) آوردند بودند، وی(لاغر و م) قاقینه بود״.
143. ای-را، تو وے لهک یو-یے مو تر څېم شل ڎاد״جوره، تو( او را م) مان، وی مرا عذاب بسیار داد״.
144. ڤَز خو ښوڤد نِڤار نه-کِښت״ بز شیرش را نمی دهد״.
145. دے(ی)ے څِڤینڅ ژِرُښت، یے چیز مالېت دے-رد، یِدے ورم مه-کِښت״آنرا زمبور(زنبور م) گزیده است، یگان چیزی را به آن(گزیدگی) مالید، ورم نکند״.
146. واښ-ېن یکبار څِد ات، ڤا دوباره اندویج״ علف را یکبار درویدند و باز برای بار دوم رسیده است״.
147. شفتل-یِد مِس سه برگه جِناو״شفتل-این هم مانند سه برگه( سبزه) است״.
148. غۈزِچ-ته چُکېن خو، خو ٲُست-تے انجېن״ غوُزچ را میکوبند و در دِست میگیرند״.
149. یم گوښت پُمنک ڎاد״همین گوشت مغار(پوپنک م) بسته است״.
150. وُز-اِک-ته شِنتاو جهت دېڤ تمه-رد لۈڤُم״من اینها را برای خنده به شمایان میگویم״.
151. مٲش-اند دِس کرڅ چلک یست اِدے، بچه ارېد خو پُخ(پَخ م) ڎید نه-دِڤېست״ما چنان سطل کلان داریم، که اگر بچه در(درون) آن درآید نمی نماید״.
152. مٲش-ٲم خو دهف پرݑینت״ما به(بالای چمبر) دایره(دف م) مان پوست کشیدیم״.
153. وُز-اند ار وُز کَښت لپ غېله اِدے نه-بافت״در غله مان ریگ چنان بسیار است،که مانید״.
154. یم کَښت-تے ښَک شبنم زاښچ״ همین غله(بخود) نم کشیده است״.
155. کو شېمخۈڎ مو-رد دوسِک دهک خو تاید-اُم״کانی کمکک پشم بمن ده و من رفتم״.
156. مٲش-ٲم خو مالېن وخت پَښِود״ ما پشم گوسفندان مانرا وقت تراشیدیم( مترجم)״
157. غِندَل آدم څه ژِریږد میرت یو״ اگر گژدم آدم را نیش زند،،گزد،(آدم) میمرد״.
158. مو پِچُمچ ڤېت خو، وُز تیم پِس ژیز״پچُمچم [[4]](#footnote-4) را بیارید و من برای آوردن هیزم میروم״.
159. دوسِک واښ خو قتے زېت خو، خو ژاو-ارد یاسېت״کمکک علف را (همرای تان) گیرید، به گاو تان بچهرید״.
160. یه-وېڤ سئدېن-ارد (ژیرېن-ارد م) شِچ-ارد چے غئڤ ڎاڎجت״وی در بالای همان سنگها قریب می افتید.
161. مردم فکاݑ اس باره یے ڤِدیرم نِخُښت ار سوخچهرڤ״همه مردم برای جاروب به قشلاق سوخچرف آمد״.
162. نگار-ته لۈڤد ات دهڎ-ته نڤشېن، یو دِگه از شهر بِرُم سُت(یو دگه از حد نږجید م)״نگار میگوید و اینها می نویسند، دیگر وی از حد گذشت״.
163. دېڤ توڎ بُنېن کِناره کُرڎک چهنېن خو دهڎ دېڤ ښَڅ ڎېن״در گرد همان توت ها چقوری میکندند و ثانی(به آنها) آب میدهند״.
164. اِک-اَم مٲش وئڎ یِمه خالے غاب״ انه، همین جویبار مان پر لایقه و نباتات آبی است״.
165. مو نهن-ے غۈزقماق پئخچ״ مادرم نان چارمغزی پخته است״.
166. مو گرڎه نافریپتک ڤُد، دۈند جهت غُلافچ ڎاد״خمیرم نارسیدگی بود، برای همین نانم درست نه پخت״.
167. دېڤ لُفچکېن زېت، دهڎ ڎُد-ېن״ همان(چوبهای) نیم سوخته را گیرید، آنها بسیار دود میکنند״.
168. پے دم دېک هریزم لپ سُڎج تازه-یېت دم״به همان دیک دوده( سیاهی) بسیار شده است آنرا تازه کنید״.
169. یو لۈڤد: تمه-ند-ته پُڅ سۈد״وی گفت: از شمایان پسر( تولد) میشود״.
170. یِد یے دقیقهےپَتېداو برداښت نه-کِښت״ این یک دقیقه عذاب درد را(کشیدن) تاقت نمی کند״.
171. اس خو جای-تے-(ی)اُم انداید خو، دم برجای چود״ از جایم خیستم و ثانی آنرا به جا کردم״.
172. شِچ-ته یے دم وُز گرڎه خئښُم״حاضر من خمیر میکنم״.
173. یِد دېک مِس-اِند دُخ ڎېد، تُلو مایے-یین ارېد پئخچ״ از همین دیگ بوی مِس می آید، گویا در آن ماهی را پخته باشند״.
174. مهڎ کَخایېن دِس فهش نظیر لۈڤېن ادے، اچه نه-بافت״همین زنها چنان عزل خوایی بی مزه میکنند، که مانید״.
175. یو یے لًندک-اݑ غِڎه״وی یک بچه لوندوک (است)״.
176. دے گًج-ېت چیز-ارد بِجازگ چوږج״ دهان این بزغاله را چرا بسته اید؟״.
177. یو یِمه شِچ گُنه ترېد توید״ منه، وی حاضرکک به آنطرف رفت״.
178. مو-ند مو ڎِندۈن دهرڎ کِښت״ دندان من درد میکند( عینا: از من دندانم درد میکند)״.
179. دم وېد-ته دۈند جهت رِښئوین ادے بشهند قهد کِښت״شاخ و شاخچه های همین بید را برای آن میبرند، که (خوب م) قد کند״.
180. نوُزۈن-اُم، نُر یو توید-آ نَی؟״ نمی دانم، امروُز او رفته باشد یا نی؟״.
181. اه نهن، یو غڎه-(ی)ے ژدیشک انجوڤد-آ؟״ آچه، همان بچه ملخ را قپید؟״.
182. ۈ سید نظر، ۈ-لا ترۈد یَد״ سید نظر، این جا بیا״.
183. مَیرهم خیښ یِده، کِد ڤَد״ منه، خوشدامن مریم همین بود״.
184. پدۈد لۈڤېن: یه نه-چېمت چار چید״ در اینجا میگویند، وی شوهر کردن نمی خواهد״.
185. نِݑ یِېد-اند ، خو کرتُشکه پۈست کِن״شین همین جا کرتاشکه را تازه(پوست م) کن״.
186. از مے تیر-اندے یے-لهڤ کرتُشکه چهن، نِښفېنتاو مه-نِښفېن״از همین جایکها بالایی(یک چند) کرتاشکه گیر، لیکن از ریشه نکن״.
187. یکبار تر باغ سیل نښتِیېت ات، تمه بیرېج-میرېج زِدرٲم״ یکدم به باغ به سیر برآیید ما جایگه های تانرا(بستره و مِستره م)می روبیم״.
188. تَم یکبار-اݑ وېڎ پَدُم ژیز خو لهک״ نباشد، یکباره هیزم به(آتش دان) انداز و مان״.
189. تمې-ت خُب ترۈد کږ چوږج؟״خیریت، شمایان به اینطرف آمدید؟״.
190. اه-ڎه خئښتۈ تو بیر نه-ڤِراږد(اه-ڎه خئښت-ۈ تو پے بیر نه-ڤِراږد م)״ای بچه، در زیرت تغاره نشکند״.
191. امۈن بیگم چار-ے چوږج-آ نَی؟״ امان بیگم به شوهر بر آمده است یا نی؟״.
192. یے-گه یخ مِس دم-اند ار ښهر ښایت״خواهر دیگرش در شهر میخواند״.
193. اه-لا، گرڎه پِست، یے غئڤ خه خو، دڎ سه״نان نزدیک، لقمه یی خور ثانی رو״.
194. دېڤ-اند فِشتیر پُڅ ار ښهر ښایت، ات یو ییو خو نهن ات داد خېز-اند״از اینها پسر میده در شهر میخواند و پسر دیگرش شان در پیش آنها( پدر و مادر)است״.
195. یِد پے یېل ڤُد״این به ایلاق گاه بود״.
196. وُز ڤا مم تاښچ ښِکرُم، ښوڤد مم-تے کِنُم״من باز همین تغاره را می کابم(می پالم م)،(که) شیر در آن اندازم״.
197. وُز-اُم ڤا ک-ېڤه-(ی)اَ نږجهد، ارافتابوس(بس م) آدم فنه ڤُد״ من با با همین(راه پیاده) گذشتم، در افتابوس آدم بسیار بود״.
198. دهڎ-اِک-ېن وم یوښکېن زِدَښت״ثانی اشکهایش ریختند״.
199. ریښت دے یت، توڎېن-تے چی وِیئش چود(کِښت م)״وقتیکه ترمه می آید، توت ها را از ریشه میکند״.
200. وے درگاه-(ی)ېن روڤد ات وے قُشخۈنه غئڤ-ېن ییت چود״پیش خانه را روفتند و در همان خانه را کشودند״.
201. سیمِک، تهم تر څاو سٲوے، خیر مڎار سُت، اندِځ״ سیمیک، اگر بکار روی از خواب خېز، نصف روُزشده(سیمیک، اگربه درو میروی، از خواب بخېز، که چاشت شده م)״.

1. Тарк-газворпорчахои, ки дар вақти буридан боқӣ мондааст.  [↑](#footnote-ref-1)
2. Бобаку чирмак- номи растаниҳои хӯрдани.  [↑](#footnote-ref-2)
3. Кишкẙл-номи зарф хост.  [↑](#footnote-ref-3)
4. Пиҷумч-либоси кӯҳнае, ки пеш аз гирифтани бор дар пушт мемонанд.  [↑](#footnote-ref-4)